

مروری بر داستان‌هایی که از دل مهدویت و انتظار بیرون آمدند

پرسه در کوچه انتظار

انتظار یکی از سرفصل‌های مهم در جامعه شیعی است. به همین خاطر ادبیات انتظار همواره در میان جامعه رواج داشته است. علاوه بر این موعودگرایی یکی از شاخه‌های مهمی است که ملت‌های مختلف جهان در فرهنگ خود دارند.

در مرور آثار داستانی داستان‌نویسان ایرانی نیز گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت غیرمستقیم شاهد آثاری هستیم که به مقوله انتظار وجود امام زمان (عج)، داستان زندگی ایشان و... پرداخته شده و در برخی نیز تنها اشاره‌ای گذرا شده یا این که از يك نماد به عنوان نشان دادن جامعه منتظر بهره برده شده تا نشان داده شود انتظار مقوله‌ای است همه‌گیر و در برابر آن نمی‌توان بی‌تفاوت ماند؛ از این روست که نویسندگان‌های بسیاری به مسأله منجی‌اشاراتی در داستان‌های خود داشته‌اند. همچنین طیفی نیز در داستان‌های خود به اتفاقات دوران غیبت اشاره کرده‌اند و در داستان‌های خود سراغ کرامت‌ها یا توجه‌های حضرت ولی عصر (عج) به شیعیان رفته و به آنها پرداخته‌اند.

یونس فردوس

روزنامه‌نگار

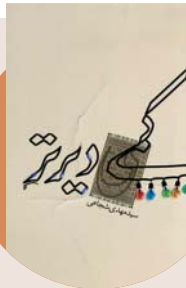
سرود سرخ انار

این کتاب دربردارنده داستان بلندی است که برمبنای يك ملاقات و تشرف به محضر امام زمان (ع) نوشته شده است. «سرود سرخ انار» که اشاره به اصل واقعه دارد در هشت قسمت تنظیم شده که اصل روایت در کتاب بحارالانوار ثبت شده که نشان از یاری و کرامت اهل بیت (ع) به‌ویژه امام زمان (عج) به شیعیان دارد و خواننده را در موقعیتی قرار می‌دهد تا به این احساس برسد که امام هر دوره‌ای یاری‌گرم همان زمان آن است و آنها را تنها نمی‌گذارد. این کتاب که الهه بهشتی آن را نوشته و چند مرتبه نیز تجدید چاپ شده به بیان داستانی از ماجرای انار و حيله وزیر حاکم وقت در استفاده از این میوه برای تخریب شیعیان می‌پردازد و به صورت مفصل داستان انار و گرفتاری شیعیان و یاری امام زمان (عج) را به آنها بیان می‌کند.



کمی دیرتر

بازنمایی جامعه منتظر یکی دیگر از جوهی است که در مسأله انتظار و مهدویت بروز دارد. «رمان کمی دیرتر» اثر سیدمهدی شجاعی یکی از آثاری است که ذیل این موضوع خلق شده و تصویری از جامعه منتظر را به خواننده نشان می‌دهد. به عبارتی شجاعی سراغ موضوع مهم و حساسی رفته و به خواننده تلنگرهای محکمی وارد می‌کند. این اثر که از چهار فصل زمستان، پاییز، تابستان و بهار تشکیل شده، نگاهی است متفاوت و نقادانه به فضای انتظار جامعه امروز. ما را با شخصیت‌هایی آشنا می‌کند که همه مدعی انتظارند، اما وقتی هنگام عمل می‌رسد و هنگامه عمل به شعارها می‌رسد، آن نمی‌کنند که می‌گفتند.



مفرد مذکر غایب

عشق و محبت مهم‌ترین مولفه‌ای است که در این نمایشنامه توجه خوانندگان را به سوی خود معطوف می‌کند. علی‌مودنی در این کتاب سراغ یکی از موضوعات مرتبط با امام عصر (عج) رفته و خواننده را در موقعیتی توصیف‌ناپذیر قرار داده است. او این بار در قالب نمایشنامه تصویرگر زندگی ملیکا یا نرجس خاتون مادر گرمی ولی عصر (عج) است و در این اثر تلاش کرده تا با ایجاد موقعیت‌های دراماتیک که خدشه‌ای به ساحت امامت وارد نیاید، راوی زندگی این بانوی آسمانی باشد.



ادموند

شخصیت اصلی این داستان فردی با نام ادموند پارکر، جوانی مسیحی از خانواده‌ای بسیار معروف و سرشناس انگلیسی، دکترای رشته حقوق و از دانشجویان نخبه است. رؤیاهای وحشتناکی که‌گاه به سراغش می‌آید که معنی آنها را نمی‌فهمد، گاهی اوقات احساس می‌کند عیسی مسیح (ع) در آن خواب‌ها برای نجاتش می‌آید، پس بر آن می‌شود که به جست‌وجوی حقیقت آنها بپردازد، اما کسی نمی‌تواند کمکش کند تا این که دست سرنوشت او را به سویی سوق می‌دهد و ادموند در مسیر سختی برای یافتن حقیقت قرار می‌گیرد.

این رمان که آینه‌پارکی آن را نوشته هم یکی از آثار پرفروش مرتبط با موضوع مهدویت است.



دوازدهم

رمان «دوازدهم» اثر علی‌مودنی یکی از مشهورترین آثار داستانی است که به مقوله امام زمان (عج) پرداخته و در زمان انتشار با سر و صداهای بسیاری نیز همراه بوده است. این رمان سراغ مقوله وجود امام زمان (عج) در تمام اعصار رفته و تلاش کرده اثری خلق کند که نشان می‌دهد این وجود نورانی همواره حضور دارد و مخصوص يك دوره زمانی نیست. این اثر به خاطر سوژه و نحوه پرداخت اثری جسورانه محسوب می‌شود که نویسنده دست به آن زده و اثری درخور توجه خلق کرده است. البته این ویژگی علی‌مودنی است که در آثارش معمولاً دنبال خلاف‌آمد عادت است و با نوشتن داستان‌هایی در موضوعات متفاوت با فرم‌های بدیع مسیر خود را از نویسنده‌های دیگر جدا کرده است. زاویه‌ای که مودنی از آن برای ورود به روایت داستان‌ش انتخاب کرده درخور توجه است، وی به امام‌زمان (عج) از این منظر نگریسته که ایشان صاحب واقعی مفهوم «زمان» است و گذر زمان بر جسم‌شان تأثیر نمی‌گذارد و این مسأله از الطاف و معجزات الهی است که اثباتی در حقانیت این وجود نورانی به شمار می‌رود.



در مرور آثار داستانی داستان‌نویسان ایرانی گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت غیرمستقیم شاهد آثاری هستیم که به مقوله انتظار وجود امام زمان (عج)، داستان زندگی ایشان و... پرداخته شده و در برخی نیز تنها اشاره‌ای گذرا شده یا این که از يك نماد به عنوان نشان دادن جامعه منتظر بهره برده شده تا نشان داده شود انتظار مقوله‌ای است همه‌گیر و در برابر آن نمی‌توان بی‌تفاوت ماند

وقت نیایش ماهی‌ها

مصطفی جمشیدی، دیگر نویسنده‌ای است که همواره در آثارش دغدغه منجی و موعودگرایی دارد. به لحاظ محتوایی خطوط تلاپی این داستان ترسیم‌کننده انسان منتظر است، همچنین پرداختن به موضوع منجی‌گرایی یکی از علت‌های برجسته شدن این اثر است که در واقع باید گفت این اثر دربرگیرنده دغدغه اصلی بشریت است. از آنجا که جمشیدی نویسنده‌ای تجربه‌گراست و در فرم‌های مختلفی آثار داستانی خلق کرده در اثر داستانی‌ای هم که قرار است مقوله انتظار طرح شود در فضاهایی متفاوت و سمبلیک به نبرد خیر و شر و مسأله انتظار می‌پردازد و در واقع به خواننده‌اش پیشنهاد تازه‌ای برای مطالعه يك اثر با محوریت انتظار ارائه می‌کند. مصطفی جمشیدی به عنوان نویسنده وقت نیایش ماهی‌ها عقیده دارد: این داستان بازتعریفی است از جست‌وجوی انسان برای یافتن درمان دردهایش و این همان مسیری است که به انتظار ختم می‌شود.



آتهی مفقودی

داستان‌نامه فارغ التحصیلی اینجانب ثریا توکلی اصل فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۰۰۱۰۸۱۶۶۹۰ و شماره ملی ۰۰۱۰۸۱۶۶۹۰ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته شیمی محض صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال با شماره ۸۹۰۱۲۶۰۴۵ مورخ ۹۶/۵/۱۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از پاینده تقاضا می‌شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق)، خروجی حکیمیه، خیابان شهید صدوقی، بلوار وفادار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید